

درد دل من با سیستم آموزشی

Let me ask you a question

بذارین یه سوال بپرسم

What springs to your mind

وقتی کلمه ی "آموزش" رو میشنوید

when you hear the word "education"?

چی میاد تو ذهنتون؟

What is education for you?

"آموزش" برای شما چیه؟

I know most of you may think about schools,

میدونم بیشترتون ممکنه به مدارس

classes,

کلاس ها

textbooks and so on.

کتاب های آموزشی و غیره فکر کنید.

They can in some ways

اینجا میتونن از یه جهاتی

be called education

آموزش نامیده بشن

if you are into them.

اگر که بهشون علاقه مند باشی.

But

اما

WHAT IS REAL EDUCATION?

آموزش واقعی چیه؟

I know some parents

میدونم که یه سری از پدرمادرها

are watching this video...

دارن این ویدئو رو میبینن...

How do you teach your children certain things?

شما چطور چیزهای بخصوص رو به بچه هاتون یاد میدین؟

Or generally speaking

یا به طور کلی

how do you guys learn new things?

شماها چطور چیزهای جدید یاد میگیرین؟

Let's speak a little.

بیاین یکم حرف بزنینم.

I was a total failure when I was in school.

من وقتی مدرسه میرفتم یه بازنده ی تمام عیار بودم.

The guy who everyone would expect

کسی که همه انتظار داشتن

to fail at least some units.

که حداقل چندتا درس رو بیوفته.

Yeah,

آره

that guy was me...

اون شخص من بودم...

What was my problem?

مشکلم چی بود؟

Was I stupid or not talented?

خنگ یا بی استعداد بودم؟

I'm not sure

مطمئن نیستم

but I know one thing for certain...

ولی یه چیز رو به یقین میدونم...

everyone is talented...

همه با استعدادان...

every human being in the world

هر انسانی در دنیا

has some special talents.

استعدادهای خاصی داره...

You can't force a fish to climb a tree

تو نمیتونی یه ماهی رو مجبور کنی از یه درخت بالا بره

and judge it based on that.

و براون اساس قضاوتش کنی.

So for me,

پس برای من

schools and colleges were the trees

مدارس و دانشگاه‌ها درخت‌ها بودن

that I as fish was trying to climb.

که من به عنوان یه ماهی نمیتونستم ازشون بالا برم.

After years upon years of "Education"

بعد از سالها و سالها تحصیل

what have I achieved?

چی به دست آوردم؟

Nothing...

هیچی...

just some pieces of fancy papers

فقط چندتا تیکه کاغذ شیک و پیک

called degree...

به نام مدرک...

Yo

هی

I get it...

میفهمم...

I'm not here to disrespect anyone's efforts

من نیومدم که به تلاشهای کسی

for going to colleges...

برای دانشگاه رفتن بی احترامی کنم...

But I always asked myself a question.

ولی همیشه از خودم یه سوال پرسیدم.

What did I learn by taking these classes?

با گذروندن این کلاسها چی یاد گرفتم؟

What were the super necessary skills for me

مهارت های خیلی مهمی که باید

to learn from these classes?

از این کلاس ها یاد میگیرتم چیا بودن؟

Speaking in public?

صحبت کردن جلوی عموم؟

Could I speak confidently in front of many people?

میتونستم جلوی کلی آدم با اعتماد بنفس حرف بزنم؟

Being able to sell?

داشتن توانایی فروش؟

Could I sell a product to someone?

میتونستم یه محصول رو به کسی بفروشم؟

Not just selling but convincing someone

نه فقط فروختن بلکه متقاعد کردن کسی

to trust my words...

تا به حرفام اعتماد کنه...

like my future child.

مثلا بچه م در آینده.

Can I

آیا میتونم

convince my future child

فرزند آینده م رو قانع کنم

to trust his daddy's words?

که به حرفای باباش اعتماد کنه؟

Have I learned any of that?

هیچ کدوم از اینا رو یاد گرفتم؟

Leadership?

رهبری؟

could I lead my group

میتونستم گروهم رو رهبری کنم

to fight for the same purpose

که برای یه هدف یکسان بجنگیم

and have great teamwork?

و یه کار گروهی عالی داشته باشیم؟

Relationships?

روابط؟

could I find the right woman for myself?

میتونستم دختر مناسب خودم رو پیدا کنم؟

Could I recognize

میتونستم تشخیص بدم

what is a healthy, happy,

یه رابطه‌ی سالم، شاد

functioning relationship for me?

کارآمد برای من چیه؟

Healthcare?

مراقبت از سلامتی؟

Could I take care of my body?

میتونستم از بدنم مراقبت کنم؟

Survival skills?

مهارت‌های بقا؟

If something horrible happened

اگه يه اتفاق وحشتناک ميوفتاد

could I take care of myself

میتونستم از خودم

and the people I care about?

و آدمایی که بهشون اهمیت میدم مراقبت کنم؟

And a thousand more beneficial skills

و هزاران مهارت مفید دیگه

that I can put a question mark in front of...

که میتونم جلوشون يه علامت سوال بذارم...

the answer was pretty simple...

جوابش خیلی آسون بود...

NO...No...No!

نه...نه...نه!

The only time I've felt the real education

تنها دفعه‌ای که آموزش واقعی رو احساس کردم

was through independent studying.

از طریق مستقل درس خواندن بود.

I wanted to learn a new language...

من میخوام به زبان جدید یاد بگیرم...

I did it all by myself the way I wanted it.

همش رو خودم از همون راهی که میخوام انجام دادم.

By reading

با خواندن

and listening to something that I enjoyed.

و گوش دادن به چیزایی که ازشون لذت میبردم.

I have improved my persuasion skills

مهارت های متقاعدسازی رو

by reading the books I've chosen

با خواندن کتابهایی که خودم انتخابشون کردم

and found more appealing based on my purposes...

و با توجه به اهدافم برام جذاب تر بودن، ارتقا دادم...

I learned about how to take care of my body

یاد گرفتم که چطور از بدنم مراقبت کنم

by taking courses related to this subject.

با گذروندن دوره های مربوط به این موضوع.

This is the real education.

این آموزش واقعیه.

You do it yourself.

تو خودت انجامش میدی.

You go for what you want.

تو میری سمت چیزی میخوای.

Use the help of mentors

از کمک مربی ها

and applications like Zabanshenas to help you out.

و اپلیکیشن هایی مثل زبانشناس استفاده کن.

But

اما

at the end of the day,

در انتهای روز

you are the person who is responsible

تو اون کسی هستی که برای

for his own education.

آموزش خودش مسئوله.

Stay independent

مستقل بمون

and learn what you love to learn.

و چیزی که عاشقتی رو یاد بگیر.

cheers!

خدانگهدار!

By the way

راستی

today is the international education day.

امروز روز جهانی آموزشه.

Tell me

بهم بگو

how do you educate yourself and others?

تو چگونه به خودت و دیگران آموزش میدی؟

Write them for me!

برام بنویسشون!

Thank you!

متشکرم!